

برای مرگ ربانی متأسفم !

برای مرگ ربانی متأسفم که این گونه ساده از این دنیا رفت. او یکی از کسانی بود که تلاش کرده بود علیه ملتی بجنگد که برای آزادی می رزمید. زندگی سیاسی او بر ضد دموکراسی آغاز شد و با نقض حقوق بشر در تمام فعالیت های به اصطلاح جهادی اش ادامه پیدا کرد.

او یکی از عاملین مستقیم جنایات جنگی و یکی از عوامل توطئه های پاکستان و بعدا ایران و بعدتر . . . به شمار میرفت .

شهریان کابل هنوز زخم های تازه از هر یک این جنایتکاران جنگی که ربانی و گلبدین در رأس شان بودند، بر تن و روان خود دارند. زخم های که به این سادگی نمیتوان به باد فراموشی سپرد. آنها اگر امروز و فردا یکی پی دیگری ترک دنیا میکنند اما خاطره ها و زخم های مردم درد دیده من ترک دنیا نخواهند کرد .

به هر یک از این داستان های نگفته باید توجه کرد و به ارزش های انسانی مردم افغانستان به خصوص شهروندان کابل و قربانیان آن بخصوص از سال 1992 احترام گذاشت .

امروز اگر این جنایت کاران جهادی سر سینه های پر زخم مردم جشن میگیرند و آقای کرزی با مرگ هر کدام شان از کیسه خلیفه القاب تازه و مفشن میسازد و هدیه میکند .. سیاست امریکاست و بازی های روزمره است .

اما روشن فکر و انسان امروزی چرا با بهانه آوردن اینکه "پشت مرده گپ زدن خوب نیست ... "چشم از همه جنایت و خیانت میپوشاند و یک بار دیگر سلسله فراموش کاری اجتماعی را رسماً رایج میسازند . همین است که نسل ها فاجعه را تکراراً تجربه میکنند .

بحث من متوجه آنانیست که خارج از افغانستان زندگی راحت و بی درد سر دارند و از قوانین اجتماعی به مراتب بهتری بهره مند میباشند . در مجموع اروپا به خصوص آلمان .

زمانیکه جنگ جهانی دوم ختم شد . محکمه نورنبرگ (که همه کتاب به *دستان افغان بدان آشنایی دارند*) دایر شد . تمام کسانیکه دست به جنایت جنگی زده بودند هم از بالاهاى رژیم تا پایین رتبه های آن حتی کسانیکه در این دنیا نبودند را به محکمه کشاندند . چرا که خط درشت و روشنی بین جنایت و جنایت کار و مردم عوام کشیده باشند .

این است ارزش و احترام به مقام انسان و انسانیت که نباید نادیده گرفته شود .

حال اگر شما تاریک اندیشان کهنه گرا و روشنفکران محترم با هم یکجا، این مفهوم را به میان می برید و صدا می کنید که " آدم پشت مرده گپ نمیزند " درحقیقت همه و همه چشم پوشی از حق انسان کشور است . **همان کلوخ ماندن و از آب گذشتن است**

من به حال حاضر آقای ربانی مرده کاری ندارم که در گور سیاه خود خوابیده و نکیر و منکر چی میکند و چی میپرسد و آیا ربانی جواب های قانع کننده میدهد یا خیر؟

و آیا گزدم های قبر و آتش دوزخ چه برسرش میارند و یا اینکه در بهشت برین برایش چه امتیازاتی فراهم شده است؟ کاری ندارم .

من در مورد یک بخش از تاریخ کشور که آقای ربانی در قید حیات بود و انجام داده است و حق انسان سرزمین مرا زیر پا کرده است حرف میزنم و تقاضای محکمه او و سایرینی چون او را دارم .

جای بس تاسف است که آقای نعیم بارز با نظر کوتاه خود ازین مسئله مهم شانه خالی کرده و چشم از همه خیانت این جهادی ها میپوشاند . او بنام اینکه پاکستان در این قتل ها دست دارد می خواهد دوسیه آقای ربانی بسته بماند . اما باید گفت آقای ربانی از جمله اولین های بود که دست پاکستان را در کشور ما دراز نمود . مگر او نبود که به عنوان آلت دست آی اس آی در تخریب مادی و معنوی کشور دست زد و در آخر مستقیماً از خانه نواز شریف وظیفه یافت تا بر تخت قدرت افغانستان بنشیند؟ و مگر او و احمد شاه مسعود و گلبدین حکمتیار و غیره نبودند که آرزوی پاکستان را در درهم شکستن دولت و اردوی افغانستان تحقق بخشیدند؟

به من فرقی ندارد که اربابان میانه شان خراب شده و به همدیگر خود حمله می کنند؟ برای ما این مسئله مهم باشد که باید بر منافع ملی خود تکیه نماییم ، به مردم بیاندیشیم و جنایتکار را از هر قوم قبیله یی که باشد در محاکمه تاریخ بسپاریم .

در شرایطی که دیگران مردم را به خواب و فراموشی دعوت می کنند برخلاف آقای سید هاشم سدید با افتخار و بزرگی در مقاله

بنام در مرگ جانیان وطن فروش ماتم روا نیست! در سایت
گفتمان از حق ملت و مردم کشورم به دفاع بر می خیزند. صدای
رسای خود را بلند می کند. صدای که باعث خرسندی و افتخار
است .

آرزو دارم مردم سر زمین من جنایت را به فراموشی نسپارند جنایت کاران را به
محکمه بکشند تا بتوانند صفحه تازه و جدیدی برای فردای بهتر باز نمایند .

از دوستان ارجمند تقاضا می نمایم ، این نوشته شجاعانه و شریفانه آقای سید هاشم سدید
را در سایت وزین گفتمان مطالعه نمایند:

<http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>